

خلاصه کتاب:

هنر نو اندیشیدن

فرآیند پرورش یک رهبر نواندیش

نویسنده: جن فیلیپس

برگردانندگان به فارسی:

مرضیه زرقی

محسن رافی خداپرست

این کتاب برگردان به فارسی اثر زیر است:

The Art of Original Thinking

The Making of a Thought Leader

By: Jan Phillips

ISBN: 0-9774213-0-9

Printed in 2006

فهرست

۹	مقدمه ناشر
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	رها کردن گذشته
۱۵	یک خود را از دست باورهای نادرست رها سازیم
۳۱	دو به دور افکندن باورهای کهنه، جایگزینی باورهای نو
۴۵	سه ماهیت تغییر
۵۵	چهار بیابید مفروضات خود را به چالش بکشیم
۶۹	پنج نیازهای دنیای امروز چیست؟
۸۵	غنیمت شمردن حال
۸۷	شش از حقیقت تا تغییر: از خودمان آغاز کنیم
۹۱	هفت طرح سوالات صحیح
۱۱۱	هشت تقابل دو راز: ابهام و قطعیت
۱۱۷	نه کارهای خلاقانه
۱۳۱	ده مادیت و معنویت: سرمایه‌گذاری بر روی خرد
۱۵۹	خلق آینده
۱۶۱	یازده منطق محلی، هوش جهانی
۱۷۷	دوازده کسب‌وکار مبتنی بر وجدان‌گرایی
۲۰۹	سیزده اصول سه‌گانه
۲۴۱	چهارده بیش در عمل
۲۵۹	پانزده شما کمک هستید

معرفی کتاب: هنر نو اندیشیدن

کتاب هنر نو اندیشیدن در قالب سه بخش "رها کردن گذشته، غنیمت شمردن حال و ساختن آینده" بر آن است تا به جای افزودن به دانش خواننده، وی را به تامل وادارد و زمینه را برای کسب بینشی عمیق در وی فراهم سازد. از این رو کتاب، گرچه ماهیت آموزشی در حوزه خاصی را ندارد؛ اما پشتوانه هر آموزش خاصی از جمله در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، حقوق، مدیریت، تعلیم و تربیت، کسب‌وکار، کارآفرینی و حتا ادبیات است. دلیل این مدعا این است که کتاب انسان را به معرفت از خود رهنمون می‌شود که خاستگاه معرفت به خالق و جان و جهان است.

کتاب در عین حال که حاوی رویکرد انتقادی به سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و بی‌رحم در آمریکا و کشورهای غربی است -که چنین بلیه‌ای را به سایر کشورهای تحت نفوذ و یا سیطره خود نیز تسری داده‌اند- در پی تصحیح رفتار آن‌ها است و به دنبال جامعه‌ای است که کرامت انسانی در آن به رسمیت شناخته شود، اما به‌رغم احترام به دین و مذهب و تجلیل از مقام پیامبران الهی، تحت اثرات مخرب کلیسای قرون وسطی، سکولاریسم و جدایی قاعده دین از سیاست؛ به جای این که در مسیر معنویت؛ اصالت را به دین -به‌ویژه ادیان ابراهیمی- بدهد، قصد دارد معنویت مستقل از دین را به عنوان حداقلی برای لجام زدن به جامعه مصرف‌زده و ویرانگر غرب برجسته سازد، از این‌رو مطالعه

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

کتاب با دید انتقادی - که خود، بنیان نو اندیشیدن است - به خوانندگان عزیز توصیه می‌شود.

درک این نکته که تفکر مخالف ما، درست است و "دشمن" اصلی ما، همان باورهای غلط خود ما است، ممکن است چندان ساده نباشد. مشکل این است که این اندیشه دقیقاً بر خلاف همه چیزهایی است که از کودکی آموخته‌ایم و این احساس، همان احساسی است که منجر به عقب‌نشینی و تسلیم در برابر عادت‌های قدیمی می‌شود. ما به دوگانگی عادت کرده‌ایم زیرا در همه جنبه‌های زندگی‌مان همواره این طرز تفکر، وجود داشته است و مادامی که نتوانیم خود را از چنگال این عادات خطرناک رها کنیم، آزاد نخواهیم شد. توانایی نگهداری دو فکر ضد و نقیض به‌طور هم‌زمان تنها به معنای نبوغ واقعی نیست، بلکه آزادی واقعی نیز در این است. اگر نمی‌توانیم افکار و ایده‌های مخالف را بدون هیچ‌گونه واکنش هیجانی منفی بشنویم، پس آزاد نیستیم. مثل این است که ما در زندان یک ایدئولوژی به ارث برده شده و تقلیدی که هرگز هم به صحت آن شکی نبرده‌ایم، محبوس هستیم.

نواندیشی یک گام مهم در روند تغییر و تحول و آزادسازی ذهن از این زندان خودساخته است و در این مسیر، هماهنگ کردن هوشمندانه احساسات و اعمال با این طرز فکر جدید، بسیار مهم است. یک رهبر فکری دوراندیش، در برخورد با این بازاندیشی بنیادین، بسیار محتاط است. منظور از رهبر فکری، نوعی رهبری است که ریشه در ادغام اندیشه‌های مخالف و متضاد دارد. درست همانند یک باتری که شارژ

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

انرژی خود را از هر دو قطب مثبت و منفی دریافت می‌کند و یا کودکی که از یک زن و مرد متولد می‌شود و یا خود فرآیند تفکر که با همکاری هر دو نیم‌کره راست و چپ مغز، صورت می‌گیرد. همین‌طور است شیوه "نو اندیشیدن" که از ترکیب و آمیزش "خودمان" و "آن‌ها" و تبدیل این دو به "ما" شکل می‌یابد. تصورات ما، قابلیت بالایی برای ایجاد تغییر در جهان دارند و قطعاً ما می‌توانیم الگوهای مخرب ذهن خود را که همان اعتقاد به جدایی و دوگانگی با دیگران است با طرز فکری سازنده که ریشه در همگرایی هدف و خودآگاهی و محبت دارد، جایگزین کنیم.

رهبران فکری، ایده‌های جدید را به شیوه‌ای خشک و قالبی ارایه نمی‌دهند. آن‌ها خود، قبلاً ذهن و روح خود را متحول کرده‌اند و از این تغییرات سرمست‌اند و آن‌چه که محرک و راهنمای آنان در این مسیر می‌شود، هیجان و انرژی ناشی از اعتماد به نفس‌شان است که به دلیل داشتن ارتباطی حیاتی، زنده و به‌روز با مسایل دنیای امروزی، برای همگان مسری و قانع‌کننده است. ایده‌هایی که از پیوند فکر و احساس در ما زاده می‌شوند، خود سرچشمه تولید آگاهی و فراتر رفتن از دوگانگی‌ها و اختلافات‌اند. این ایده‌ها خود، بذرهاي تحول در درون ذهن ما هستند.

کارل یونگ^۱، احساس را منبع اصلی آگاهی می‌نامد، او معتقد است: "بدون وجود احساسات، هیچ تغییری از سمت تاریکی به سمت نور و یا

1 - Carl Yung

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

از سکون به حرکت، صورت نمی‌گیرد". این عمل ایجاد پیوند بین افکار متضاد، قلب‌های ما را به اندازه ذهن‌هامان باز و روشن می‌کند. تنها به محض این‌که به باوری تازه در ذهن خود فکر می‌کنیم، این احساس ما را بر سر دو راهی انتخاب بین دو گزینه افکار جدید و باورهای قدیمی قرار می‌دهد.

در این باره، پرداختن به احساسات، امری ضروری است. آن‌ها همانند راهنما عمل می‌کنند و از سوی بدن، پیام‌های فوری به مغز می‌فرستند. "بله، این تصمیم عاقلانه است." "نه، آن گزینه منطقی به نظر نمی‌رسد." بدن ما، از اندام‌های زنده تشکیل شده است و اگر ما عمیقا به آن‌ها گوش فرا دهیم، اگر به اندازه کافی عاقل باشیم که به احساسات و ندای قلب‌مان اعتماد کنیم، خواهیم دید چگونه مغز و قلب ما به پاسخ‌هایی روشن و مطابق با وحدت و یگانگی همه جهان دست می‌یابد. پاسخ‌هایی که رهبران فکری امروز، شدیداً نیازمند آن‌ها هستند و به دلیل پرداختن تکاملی و تدریجی به فرآیند تغییر افکار، تعامل هم‌زمان، هماهنگ و مستمر کل جسم، ذهن و روح مورد نیاز است. این، یک امر معمول و ساده نیست، بلکه جهت‌گیری به سمتی جدید و ناشناخته است. بخشی از وجود ما در این مسیر، دچار شک و دودلی خواهد شد، اما این تنها راهی است که می‌تواند ما را به سمت جلو پیش برد و هنگامی که این آشوب را در عواطف‌مان احساس کردیم، باید خوشحال باشیم زیرا این تلاطم درونی، در واقع نشان‌دهنده این است که ما به‌طور کامل در فرآیند تحول درگیر شده‌ایم، فرآیندی که هر

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

چند در ابتدا یک تغییر شخصی است، اما در نهایت به یک تحول جهانی منتج می‌گردد.

اما چه چیزی یک رهبر فکری را تبدیل به رهبر فکری می‌کند؟ این که با چنان شور و شوق و اعتباری در مورد چیزی صحبت کند که بتواند بر احساسات، ارزیابی و اقدامات دیگر افراد تاثیرگذار باشد. رهبران فکری الهام‌بخش تغییرات هستند، از جمله تغییرات شخصی، اجتماعی، مستقل و یا عمومی و سیستمی. آن‌ها هجمه افکار پیروان خود را در مسیرهای قدیمی هدایت نمی‌کنند، بلکه با خلق بزرگراه‌های ارتباطی است که مردم را به مقصد جدیدی از آگاهی و بینش بازتر رسانده و درک عمیق و صحیح‌تری از هدف غایی زندگی را به آن‌ها می‌بخشند. رهبران فکری، به‌سان پیامبران هستند که مقتدرانه از خرد محض سخن بر زبان می‌رانند. دانشی که آن‌ها عمیقاً از جان و دل به آن باور دارند، حاصل تجربیات شخصی و زندگی روزانه خود آن‌ها است. آن‌ها آموخته‌اند که به همه نکات توجه کنند و برای یافتن گوهر مقصود، معادن سختی‌ها و مشکلات را در نوردند، برای تماشای طلوع روشنائی با آغوش باز به استقبال تاریکی‌ها بشتابند و در دل شکست‌ها، پیروزی را ببینند.

و آیا من و شما نیز می‌توانیم همچون رهبران فکری، از نو بیاندیشیم؟ بله، رهبران فکری، در ابتدای مواجهه با هر چالشی با قلب خود پیش می‌روند و می‌دانند که این خود، انرژی بخش آن‌هاست. درست

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

همان گونه که کلمات و افکارشان به آن‌ها انرژی می‌دهد که دیگران را درک کرده و راه‌های همدلی و صداقت را هموار کنند.

آن چه که ما را برای یکدیگر واقعی، مهم و مفید می‌کند، توانایی مان برای به اشتراک گذاشتن جوهره وجودی، احساسات و آموخته‌های ما است. بزرگ‌ترین موهبت الهی که به ما داده شده است، همان داستان زندگی ما است و بهترین داستانی که می‌توانیم تعریف کنیم آن است که بذر آموخته‌هایمان را با خود، به همراه دارد. این داستانی است که همدلی را در نزد شنوندگانش بر می‌انگیزد، که به آن‌ها در ازای زمانی که گذاشته‌اند و توجهی که نشان دادند، پاداش با ارزشی ارائه می‌دهد، به آنان نوعی بینش تازه همچون چراغی روشن، ارزانی می‌کند. "تایید"ی که سبب اعتماد و شجاعت بیش‌تر در آنان می‌گردد. هر یک از ما، در هر لحظه از زندگی درگیر یک درام انسانی هستیم. ما به این جا آمده‌ایم تا بیاموزیم و افراد و اتفاقات تصادفی که در برابر ما قرار می‌گیرند، این یادگیری را در ما سبب می‌شوند. این خلقت ما است. این یادگیری یک پدیده منظم، راحت و ناآگاهانه که حاصل ویژگی‌های شخصیتی ما باشد نیست، بلکه نمایشنامه جذابی است که خود ما هر روزه در حال نوشتن، کارگردانی، بازیگری و مرور آن هستیم.

اگر یک طرح کلی از پای خود بر روی یک تکه کاغذ بکشید و سپس به وسیله یادداشت‌ها و نمادهایی، تمام مکان‌هایی که با پای خودتان رفته‌اید را مشخص کنید، احتمالاً این نقشه شامل همه مسیرهایی که طی کرده‌اید، درختانی که از آن بالا رفته‌اید، کاشته‌اید و یا از آن‌ها

معرفی کتاب «هنر نوآندیشیدن»

عکس گرفته‌اید، دریاها، رودخانه‌ها و نهرهایی که از آن‌ها لذت برده‌اید، پارک‌های شهر، جاده‌های کشور، تپه‌های شنی و علفزارها است و اگر هر کدام از این مکان‌ها توانسته است نظر شما را به خود جلب کند، شما به زبانی که می‌فهمید سخن گفته و درباره طبیعت خود به شما چیزها آموخته است، بدن و ذهن شما از آن آگاه است، اما شما باید به حافظه‌تان رجوع کرده، آن داستان را پیدا کنید، تصاویر را در کنار هم قرار داده، آن فضا و محدوده را در ذهن خود بازسازی کنید و سپس یک نگاه عمیق به آن بیاندازید تا بتوانید آن حقیقتی که حافظه شما در خود ذخیره کرده است را درک کنید.

یک طرح کلی نیز از داستان خود رسم کنید و همه آن لحظه‌هایی را که عمیقاً چیزی را لمس کرده‌اید به یاد بیاورید، لحظات بزرگی که متواضعانه بخشیدن و گرفتن را تجربه کرده‌اید، به خاطر بیاورید آن‌گاه که کسی داستان را گرفت و به خانه رساند. به اصل آن داستان‌ها بازگردید و عناصر آن -مثل تعارض، درام و تصمیمات- را بیابید. زمانی در آن تأمل کنید تا بالاخره بتوانید درسی را که در خود برای شما دارند، بیاموزید.

درست مانند شعر، موسیقی، فیلم و نمایشنامه، داستان‌ها -داستان‌های من و شما- انرژی را انتقال می‌دهد. آن‌ها جنبشی را در تک‌تک سیناپس‌های مغز، تار و پود بدن و مولکول‌های احساسات، پدید می‌آورند. آن‌ها می‌توانند روشن‌گر باشند، درمان‌گر روح و روان افراد باشند، افکار را برانگیزانند و موجب تحریک مردم به کار و عمل باشند.

معرفی کتاب «هنر نواندیشیدن»

آن‌ها ابزارهای تحول‌اند که در دسترس همه ما است، چرا نباید داستان‌های زندگی‌مان را دوباره به یاد آوریم، زنده‌شان کنیم، به آن‌ها شکل و فرمی تازه دهیم و با دیگران سهیم شویم؟

تبدیل شدن به یک انسان نواندیش، یک فرایند طبیعی است. این صرفاً یک فرایند ذهنی نیست، بلکه احساسات و روح و روان را کاملاً درگیر خود می‌کند و با کار و تمرین هدفمند بر روی احساسات شروع می‌شود و به بیرون گسترش می‌یابد. احساسات پیش‌نیاز یادگیری است. هیچ‌یک از ما در پی مطالعه و یادگیری چیزی که خشنودمان نسازد، نیستیم. ما از قلب و احساسات‌مان پیروی می‌کنیم، در جست‌وجوی شادی و خوشحالی هستیم و در دل آن‌چه که انجام می‌دهیم، ندای قلب خود، شوق و دلایل خود را می‌جوئیم. این همان جایی است که ما از آن جا برانگیخته می‌شویم. این شیوه‌ای است که ما با آن، جهان را اصلاح می‌کنیم. هیچ نظریه و فرمولی در کار نیست، تنها پالایشی ساده و گویا از داستان‌هامان است که به یک بازنگری در ذهن دیگران منجر می‌شود. نیاز امروز عصر اطلاعات، اطلاعات بیش‌تر نیست، بلکه نیاز به وجود داستان‌هایی روشن‌تر است که ما را به خودمان، نشان می‌دهند.

بنابراین بخش مهمی از نواندیشیدن، حذف آگاهانه آن دسته افکاری که واقعاً متعلق به ما نیستند و نیز پاسخ دادن به عمیق‌ترین سوال‌های درون‌مان است. اگر شما آرزو دارید که یک رهبر فکری باشید، ابتدا باید این کار را بر روی خودتان تمرین کنید و سپس راهی برای کمک به دیگران در ادامه همان فرآیند بیابید. هر چه خودآگاهی افراد بیش‌تر

معرفی کتاب «هنر نوآندیشیدن»

باشد، گروه از قابلیت بالاتری برای موفقیت برخوردار خواهد بود. هنگامی که تک تک افراد با آزادی و آگاهی کامل به دور یک میز جمع می‌شوند، درحالی که تمایل خالصانه‌ای به رایه خدمت و نیز دسترسی کامل به احساسات و منابع داخلی خود دارند و نسبت به ماموریت و هدف گروه آگاه‌اند و قدرت انجام آن را به‌خوبی در خود می‌بینند، در این شرایط است که اتحاد این افراد، قادر خواهد بود به هر آنچه که تصورش را دارد، دست پیدا کند.

روان‌شناس مشهور سویسی، کارل یونگ می‌نویسد: "عنصر اساسی در تحلیل‌های روان‌شناسی، زندگی فرد است. چرا که به تنهایی تاریخ‌ساز است، تنها در این جا است که تحولاتی بزرگ، صورت می‌گیرد و تمام تاریخ جهان در نهایت از منابع پنهان در وجود افراد شکل یافته است. ما حتا در خصوصی‌ترین و فردی‌ترین بخش زندگی‌مان، شاهدی منفعل بر جریان‌ات دنیا نیستیم، بلکه در چنین لحظاتی هم، آن را می‌سازیم." ما تنها در صورتی قادر خواهیم بود که به این منابع پنهان دسترسی پیدا کنیم که در پی طرح سوالات مناسب از خود بوده و عمیقا به واکاوی درون خود که پاسخ‌های واقعی‌مان در آن نهفته است، بپردازیم. این کار، یک پیش‌نیاز اساسی برای آن دسته از رهبران فکری است که به دنبال ساختن فرهنگی بر اساس محبت و تعامل با دیگران باشند. پیدا کردن پاسخ پرسش‌هامان، اولین گام در این راه است.

گام بعدی این است که به سمت تحقق آن‌ها و عمل، پیش برویم. هر پرس‌وجوی عمیق درونی، سبب می‌شود تا هر چه بیش‌تر، ارتباط و

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

وابستگی متقابل خود با دیگران را احساس کنیم. این که ما واقعاً که هستیم از طریق همین تعاملات بین فردی، روشن می شود. به واسطه همین روابط ما با دیگران است که از ارزش خود، آگاهی می یابیم. این موضوع که چه استعدادها و توانایی هایی داریم، تنها زمانی شکل واقعی به خود می گیرد که آن ها را بتوانیم در جامعه نشان دهیم. زندگی ما تنها در صورتی که در پی خدمت به دیگران باشیم، معنای حقیقی خود را می یابد. با این اوصاف، سوالات بعدی ما نیز نمود می یابد. این سوالات به چگونگی بازیابی توانمندی همان در جریان این سفر درونی مربوط می شوند. پرسش هایی که به ما کمک می کنند تعیین کنیم از استعدادها و توانایی همان چه بهره ای می توانیم ببریم.

همه شهروندان آگاه زمین، دو راه پیش پای خود دارند: یکی سفری پرماجرا به درون خویش است - که یک سفر خصوصی، شخصی، معنوی است - و به موجب آن ما با ماهیت اصیل ترین خواسته ها، عناصر اخلاقی و هویت واقعی خود رو در رو می شویم. این جایی است که ما را به درون غار روحمان می برد تا از خود پرسیم که: ما واقعا که هستیم، ارزش های واقعی مان چه هستند، چه خدمتی می توانیم به دیگران بکنیم و چه نوری در این تاریکی از خود به یادگار خواهیم گذاشت؟ این جا، جایی است که در آن ما به فردیت خود افتخار می کنیم، به استعدادهای منحصر به فردمان می بالیم و با قدرت در پی خلق شرایطی جدید برمی آییم. از طریق این فرایند است که ما می آموزیم خود، سرنوشت خود را رقم بزنیم. نقاط قوت پنهان درونمان را از زیر

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

خروارها غفلت و فراموشی به درآوریم و به صداقت درونی مان افتخار کنیم.

هنگامی که از لذت‌های حقیقی زندگی و استعداد‌های درونی خود آگاه شدیم، آن‌گاه نوبت سفر دوم فرا می‌رسد که سفری به دنیای بیرون است و در آن، ما با دیگران همسفریم. این امر که استعدادها و خواسته‌های خود را با نیازهای روز جهان هماهنگ کنیم، تنها راه نجات ما و کسب‌وکارهای ما است.

... اکنون ما بر روی سیاره زمین هستیم و تنها یک فرصت گران‌بها برای زیستن داریم، اما اکثریت ما درگیر و گرفتار چه چیزی هستیم؟ پول. زندگی ما در پول خلاصه می‌شود. کسب‌وکار یعنی پول، رشد هم به معنای پول است.

با این حال سوال اساسی این است که چگونه می‌توانیم کسب‌وکار اخلاقی داشته باشیم؟ چگونه می‌توانیم ارزش‌های معنوی مان را با ارزش‌های شغلی خود، منطبق کنیم؟ چگونه می‌توان با آگاهی آن هوپی که می‌گفت "هر کاری، در واقع یک عمل معنوی است"، هر لحظه زندگی کنیم؟ چه‌طور می‌شود اعمال مان را با حکمت و دانش درونی و ارزش‌های اجتماعی هم‌راستا نماییم؟ نواندیشی به‌واسطه ادغام افکار متضاد، شکل می‌گیرد و چالش ترکیب ارزش‌های معنوی با واقعیت‌های مادی، می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت در هر عرصه‌ای باشد.

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

امروزه کسب و کار باید خود را با سنتی وفق دهد که هرگز در طول تاریخ سرمایه‌داری مجبور به این کار نبوده است و آن عبارت است از به اشتراک گذاشتن مسئولیت با همه. باید به هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود و هر عمل و اقدامی که انجام می‌گیرد، از منظر این مسئولیت نگرسته شود" و این کار در بلندمدت به این معنا است که ما باید در مفروضات کلیدی و افکار خود در مورد کسب و کار و نقشی که در سیستم جامعه بشری بازی می‌کند؛ یک بازنگری کلی و اساسی صورت دهیم. سیستم باورهای ما، ممکن است که برای مقطعی از تاریخ مناسب بوده باشد؛ اما امروزه به همان اندازه که اسب و گاری برای حمل و نقل کاربرد دارد، این باورها نیز کاربرد خواهند داشت! این باورها، دیگر دردی از ما دوا نمی‌کنند.

همان‌طور که تکنولوژی به صورت نمایی رشد نموده و راه‌های انجام کسب و کار ما را متحول کرده است، به همان ترتیب درک ما را از واقعیت تغییر داده است. نحوه تفکر و احساس مردم به صورت غیرخطی پیش می‌رود. شبکه جهانی وب، تنها محلی برای پژوهش و ارتباطات نیست، بلکه استعاره‌ای است از اتصال ما به هم و همچون یک بنای معماری حاصل تعاملات ما است. ما به شیوه‌ای متفاوت با همه تاریخ، در تماس با یکدیگریم و این دسترسی روزافزون ما به یکدیگر، سبب افزایش چشمگیر سطح ارتباطات و مهم‌تر از آن میزان افزایش آگاهی انسان شده است. اصطلاح "از دل برود، هر آن‌چه از دیده رود" در جهانی که ما دسترسی سریع و راحتی به تصاویر و تصورات خواهران و

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

برادران مان در سرتاسر این سیاره داریم، دیگر پذیرفتنی و قابل قبول نیست. وحدت ما، خود را از طریق این فن آوری پیشرفته آشکار می کند. سیاره ما همانند یک موجود زنده، به طور مداوم در حال تحول و انطباق با مشکلات پیش رویش است و ما که از زمین به وجود آمده ایم، خواه ناخواه بخشی از آن تکامل هستیم.

ممکن است که ما گذشته های خود را فراموش کرده باشیم، اما از همان لحظه ای که به خودآگاهی رسیدیم، خود، خداوندانی شدیم بر روی زمین که هر لحظه در کار خلق و آفرینشی تازه اند. تکامل برای ما اتفاق نمی افتد، بلکه از طریق ما رخ می دهد و این واقعیت که ما تکنولوژی را آفریده ایم که تک تک انسان ها را همچون شبکه ای از سلول های اعصاب، به هم متصل می کند، بر این گفته صحه می گذارد.

هوش جهانی از طریق ما جریان می یابد، همان گونه که از طریق هر اتم در درون هر سلول جریان می یابد. این منبع الهام بخش ما است. نویسنده ای به نام دوریس لسینگ¹ جایی چنین نوشته است: "من خود، صاحب هیچ اندیشه ای نبوده ام. بلکه اندیشه ها گرداگرد مرا فرا گرفته بودند." همه اختراعات و خلاقیت های ما از این هوش می آیند، این همان نیرویی است که باعث می شود دانه، پوسته خود را بشکافد و سفرش را به سمت بالا و در جستجوی نور پی بگیرد. تغییر پیوسته؛ پیشرفت مداوم و انطباق دائم. این ماهیت وجود است و آنچه که ما در چرخه تکاملی خود، طی می کنیم.

1 - Doris Lessing

معرفی کتاب «هنر نو اندیشیدن»

در طول تاریخ، شتاب فرایند رشد و تکامل هرگز به سرعت امروز نبوده است و هیچ انسان دیگری در این مقامی که ما هم‌اینک ایستاده‌ایم؛ نایستاده است. این مکان و زمان متعلق به ما است و در این لحظه می‌دانیم که بقای ما وابسته است به این‌که به آگاهی و بیداری معنوی دست یابیم. گذشته هر چه بوده، دیگر گذشته است، اما آینده در انتظار ما است؛ آینده در دستان ما است، در کلام ما است و در دل هر تصمیم و انتخاب ما است. همان‌طور که اندیشمند و دیرین‌شناس بزرگ تیلهارد دو شادین در جایی گفته است: "بشریت به نقطه‌ای رسیده است که در آن؛ ما باید بین هلاک گشتن و رستگاری یافتن، یکی را انتخاب کنیم."